ارتکاز

- ارتکاز: محصول «سیاقِ معنوی» و «نظامِ» کلمات شاعر
- ارتکاز؛ پازل بسیار دقیق

ارتکاز: محصول «سیاقِ معنوی» و «نظامِ» کلمات شارع

حال رمز اینکه سیاق ،کاشفیتش اقوی است و آدم دلگرمتر است در اینکه مفاد کلام را به گویندهٔ نسبت بدهد، یک احتمال این است که سیاق به مخاطب خودش یک جدول، یک نظامِ فکری منظّم القا میکند با مؤلّفههایِ «یدهی بعضُها الی بعض».

چرا ظهور وقتی سیاق دارد، اقوی ظهوراً است؟ اگر این حرف را بپذیریم، چون سیاق هر چه گستردهتر باشد، یک امر با نظامِ بیشتر به ذهن مخاطب میدهد. نظامِ بیشتر، همگنایش، هم بافتایش، کشّافیتش، از مراد بیشتر است. چون مؤلفههای کاشف، زیادند. همین معنا در ارتکاز میآید. اگر این حرف درست باشد ، دلیل حجیت ارتکاز، این است که متشرعه ، نه از یک جملهی شارع، از مجموع هزارها جملهای که از شارع شنیدند و دل دادند، یک **سیاق معنوی** پیدا کردند. الآن یک کتابی که فصول و ابواب داشته باشد، ندارند، اما همان طور که سیاق، در یک عبارت نظام میداد ، مجموع کلماتِ شارع، یک سیاق معنوی به ذهن متشرعه داده است. [1]

مجموع کلمات یک گویندهٔ را که شما در نظر میگیری، به آن توجه میکنی دل میدهی، ناخودآگاه یک نظام فکری، مرام، مسلک، چارچوب فکری، یک جدول،از او به شما منتقل میشود- البته گاهی آن هایی که فطانت بیشتر دارند از یک کلام هم میتوانند؛ هر کلامی یک بویی دارد، شَمّ دارد، رنگی دارد. همین که حرف میزند، دهان باز میکند، میفهمند که این چه طور است، سبکش چیست؟ مرامش چیست. این یک فضای خاص خودش را دارد ولی ارتکاز بیش از این ها نیاز دارد-ارتکاز،یعنی مخاطب یک متکلم از دهها کلام - یک کلام نیست. از شارع، صدها لسان دارد- از انس به کلام او، آن نظام فکری و مرام او در ذهنش نقش بسته ولو خودش آگاه نیست. [2]

جدول تنابیِ مندلیف

شما در یک نظام منظّم اگر مقداری ابهام داری از دیگری کشفش میکنی که آن جا چیست.شما ببینی این جدول تنابی[3] مندلیف را. وقتی مندلیف روسی،[4] جدول شیمی را ارائه داد، اصلا زمان ارائهی او به نظرم هنوز نزدیک بیست تا خانهی جدول خالی بود. جایش را معین کرد، نه اسم داشت نه کشف شده بود، اما به مرور کشف شد[5]. میبینی چقدر این جدول مهم است. او میگفت داریم، نمیشود نباشد. بگردید پیدایش کنید. حتی اگر طبیعیاش را نداریم، در آزمایشگاه میتوانیم پیدایش کنیم. چرا؟ چون این جدول من میگویم این خانه، خانه هست، محتوایش را من میتوانم به دست شما بدهم، میگویم عدد اتمی[6]اش این است، تمام شد. حال میخواهی بروی در طبیعت بگردی پیدایش کنی، بگویی این عدد اتمیاش است. نمیخواهی هم در آزمایشگاه با

شکافت هسته‌ای، این را نشان بدهید. ولی جدول تمام شد. این خیلی عالی است. یعنی او به نظمی رسیده که دارد می‌گوید این‌ها به همین صورت هست.

---

[1] باید ملاحظه بشود، جمع بین تمام آیات و ادله‌ی لفظیه بشود. نه این‌که به اطلاق هر کدام، آدم اخذ بکند. ما همچنین چیزی نداریم. و لذا خیلی از اعتراضات بر شیعه می‌کنند، به واسطه‌ی کلمه،یک روایت. بابا جان!ما صحیح ِبه قول ِمطلق نداریم ، در هیچ کتابی. به خلاف مخالفینی که نه خیر، صحاح سته دیگر قابل مناقشه و در نیست. ما کتابی که معتبر باشد، عملاً و فتوی نداریم...به هیچ روایتی از روایات ما نمی‌توانند تمسک بکنند وحده. ما نداریم روایتی که وحده قابل تمسک باشد]. مگر ضروریات ما،ارتکازیات ما.(درس فقه آیت الله بهجت،کتاب الجهاد،جلسه ۷۲)

[2] در میان شاخه های زبان شناسی،رشته زبان شناسی شناختی(cognitive linguistics) داعیه دار کشف ِنظام ساختاری ذهن انسان از طریق گفتار اوست:« مطالعات مربوط به زبان‌شناسی شناختی از دهه ۱۹۷۰ شروع شد و از دهه ۱۹۸۰ به‌بعد، به‌تدریج گسترش یافت و اکنون به یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین مکاتب زبان‌شناسی در غرب، به‌ویژه اروپا، بدل شده‌است.زبان‌شناسی شناختی رویکردی در مطالعه زبان است که به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و تجارب اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازد. به عبارت دیگر، در زبان‌شناسی شناختی تلاش می‌شود تا مطالعه زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی باشد؛ بنابراین، مطالعه زبان از این نگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی‌ست. با مطالعه زبان، می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آراء ذهن انسان پی برد. در این نگرش، فرض بر آن است که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند»(ویکی پدیا)در این رویکرد به زبان به عنوان وسیله ای برای کشف ساختارشناسی انسان نگریسته می شود(مقاله زبان شناسی شناختی و استعاره،دکتر گلفام،مجله تازه های علوم شناختی،سال ۴،شماره ۳، ۱۳۸۱)

[3] جدول تناوبی عنصرهای شیمیایی یا جدول مندلیف به انگلیسی: Periodic table یا periodic table of elements)، نمایش جدولی عنصرهای شیمیایی بر پایه ٔعدد اتمی، آرایش الکترونی و ویژگی‌های شیمیایی آن‌ها است. ترتیب جایگیری عنصرها در این جدول از عدد اتمی (شمار پروتون‌های) کمتر به سوی عدد اتمی بالاتر است. شکل استاندارد این جدول ۱۸ × ۷ است؛ عنصرهای اصلی در بالا و دو ردیف کوچکتر از عنصرها در پایین جای دارد.(سایت ویکی پدیا)

[4] دمیتری ایوانویچ مندلیف شیمیدان معروف اهل روسیه بود. وی پایه‌گذار جدول تناوبی عناصر شیمیایی موسوم به «جدول مندلیف» است، او بوسیله ٔاین جدول توانست وجود تعداد زیادی از عنصرهای کشف نشده را پیش‌بینی نماید. وی ترتیب قرار گرفتن عنصرها را در جدول بر پایه افزایش تدریجی جرم اتمی آن‌ها در یک ردیف (تناوب) قرار داد تا به این وسیله خواص شیمیایی عناصر به صورت گروهی عمودی تکرار شود.(همان)

[5] در زمان او، تنها شصت و سه عنصر از نظر رسمی شیمیدان‌ها شناخته شده بود. مندلیف در این اندیشه بود که خواص فیزیکی و شیمیایی عناصر تابعی از جرم اتمی آن‌ها است. بدون قانون تناوبی نه پیش‌بینی خواص عناصر شیمیایی ناشناخته میسر بود و نه پی‌بردن به فقدان یا غیبت برخی از عناصر. کشف عناصر منوط به مشاهده و بررسی بود. قانون تناوبی راه جدیدی در این زمینه گشود.

جدول تناوبی پایه‌ای برای این کار شد. ساختار این جدول نشان می‌داد که در چه جاهایی مکان خالی باقی می‌ماند که می‌بایست در آینده پر ای توجیه شود. با آگاهی از خواص عناصر موجود در جوار این مکان‌های خالی می‌شد خواص مهم آن عنصرهای ناشناس را تخمین زد و چند مشخصه مقداری آن‌ها (جرم‌های اتمی، چگالی، نقطه ذوب و نقطه جوشش و مانند آن‌ها را) به کمک نتیجه‌گیری‌های منطقی و چند محاسبه ٔریاضی ساده، تعیین کرد.

او جدولی درست کرد و شصت و سه عنصر شناخته شده را به ترتیب جرم‌های اتمی‌شان در جدول قرار داد. تعداد عناصر در سطرهای جدول یکی نبود مثلا ً سطر پنجم ۳۲ عنصر داشت در حالی که در سطر ششم تنها شامل ۶ عنصر بود؛ ولی عناصری که خواص آن‌ها شبیه به هم بود در این جدول نزدیک هم قرار داشتند و بدین علت مقداری از خانه‌های جدول خالی ماند. جدول مندلیف،وجود ۹۲ عنصر را پیش‌بینی می‌کرد مندلیف در مورد خانه‌های خالی اظهار داشت که خانه‌های خالی متعلق به عناصری است که تاکنون شناخته نشده‌اند.

مندلیف در این جدول دو انتخاب مهم انجام داده بود که باعث شد تا جدول او مورد پذیرش عمومی قرار گیرد: نخست اینکه جای عنصرهایی را که هنوز شناسایی نشده بود، خالی گذاشته بود.مندلیف نخستین شیمیدانی نبود که چنین کرده بود، اما نخستین کسی بود که با توجه به ردپایی که از جدول داشت، جای عنصرها را پیش‌بینی کرده بود. عنصرهایی مانند گالیم و ژرمانیم عنصرهایی بودند که بعدا ً شناسایی شدند.

انتخاب دوم مندلیف در جایگذاری و دسته‌بندی عنصرها بود، او گاهی وژگی وزن اتمی را نادیده گرفته بود و به جای آن، عنصرها را با توجه به وژگی‌های شیمیایی جایگذاری کرده بود. عنصرهایی مانند تلوریم و دی از این دست بودند. بعدها با پیشرفت علم معلوم شد که مندلیف ناداناسته عنصرها را به ترتیب افزایش عدد اتمی و بار هسته مرتب کرده بود. اهمیت عدد اتمی در جایگذاری عنصرها در جدول تناوبی نادیده گرفته می‌شد تا اینکه وجود و وژگی‌های پروتون در هسته شناسایی شد. (همان)

[6] عدد اتمی (Z) (به انگلیسی: Atomic number)، اصطلاحی است که در شیمی و فیزیک برای بیان تعداد پروتون‌های موجود در هسته اتم به کار می‌رود.در معادلات عدد اتمی را با پروتون برابر در نظر می‌گیریم « p = z » این پدیده و اصطلاح نخستین بار توسط ارنست رادرفورد کشف و ابداع و سپس به کار رفته‌است. عدد اتمی سمت چپ پایین علامت اختصاری عنصر نوشته می‌شود. (همان)

ارتکاز؛ پازل بسیار دقیق

دیدی تابلوهایی است بسیار ظریف و دقیق با پس زمینه پیچیده. وقتی در این تابلو نگاه می‌کنید،یک شمایی از یک شکلی می‌بینید. اما هر چه دقیقتر می‌شوید، چیزهایی را می‌بینید که اوّل باورتان نمی‌شد در این تابلو باشد،و هر چیزی دقیق سر جای خودش قرار گرفته است؛ پازل، به هم ریخته نیست. پازل ِمنظّمی در تابلو جلوی چشم ما،قرار دارد ، ولی چون به شدت دقیق و ظریف و فنّی است، با یک نگاه به دست نمی‌آید. مدام باید بروی برگردی، بعدا ً می‌گویی آهان این را می‌خواسته بگوید. در رفت و برگشتها ممکن است عده‌ای بگویند به دست آوردیم، اما وقتی بیشتر رفت و آمد می‌کنند،می‌بینند نه.

بعضی فرشها ی بعضی کاشی‌کاریها را نمی‌دانم دیدی ای نه؟ باید متخصصین ِفن، مدّتی به آن زُل بزنند تا بفهمند چه کار کرده است. یعنی به دست آوردنش سخت است. برداشتهای مختلفی هم دارند. اما هر چه جلوتر می‌روند می‌بینند مشترکات پیدا می‌کنند؛تحلیل موضوعی. مثلا احتمالاتی که یک کسی روز اوّل داده بود، شاگردهای او هر چه جلوتر می‌روند، قاطع می‌شوند که آن بخش ِاحتمال او غلط است. این دیگر درست نیست. چرا؟ چون دقت کردند. باز هم در گوشه و زوایای دقیق آن تابلو اختلافاتی دارند.اما هرچه بیشتر بحث می‌کنند، رفت و برگشت می‌کنند به مقصود ِآن کسی که تابلو را به آن نظم قرار داده نزدیکتر می‌شوند. یعنی مشترکاتشان زیاد می‌شود، مختلف ُفیه‌شان کمتر می‌شود[1].

یکی از اصلی‌ترین معماهای تاریخ را می‌توان در نقاشی‌های معروف جهان پیدا کرد. نقاشی‌های [1] که به دنبال تحقیق و پژوهش‌های فراوان با تفسیرهای زیادی همراه شده‌اند سال‌هاست که محققان و پژوهشگران تاریخ هنر تلاش می‌کنند رازهای پنهان برخی از نقاشی‌های معروف جهان را کشف کنند. فیلم‌های زیادی درباره برخی از این آثار و هنرمندانش ساخته شده و تلاش شده که رازهای پنهان این شاهکارهای تاریخ هنر تا اندازه‌ای فاش شوند؛ اما هنوز هم پرسش‌های زیادی درباره رازهای این نقاشی‌ها در ذهن پژوهشگران باقی مانده است. **یکی از معروف‌ترین ِاین نقاشی‌های پر رمز و راز** عبارت است از پیتر بروگل (۱۵۶۹-۱۵۲۵) نقاش هلندی دوران رنسانس است که به جهت نقاشی کردن از مناظر طبیعی و زندگی روستایی شهرت دارد. یکی از مشهورترین آثار او نقاشی ضرب‌المثل‌های هلندی[تصویر پایین] است که در آن بیش از ۵۰ ضرب‌المثل نهادینه شده است. پژوهشگران تاریخ هنر و البته ادبیات هلندی سال‌ها برای پیدا کردن ضرب‌المثل‌های موجود در این آثار نقاشی، تلاش کرده‌اند.از دیگر نقاشی های پررمز و راز می توان به نقاشی «موان‌لیزا» و«عشای ربانی»داوینچی و«پرتره آرنولفینی» اشاره کرد(مقاله نگاهی به ۴ تابلوی عجیب تاریخ،سایت ایسان)

